

2022

# منشور حرکت ملی برای صلح و عدالت

مسوده مورخ ۸ جوزا ۱۴۰۱ (۲۹ می ۲۰۲۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

(سوره آل عمران، الآية ١٥٩)

## یادداشت:

تا زمانیکه روی نام حرکت تصمیم گرفته میشود، درین سند موقتاً نام «حرکت ملی صلح و عدالت» مورد استفاده قرار می گیرد.

## مقدمه

با درک رسالت تاریخی و مسئولیت ملی برای حل مشکلات و بحران کنونی، رفع مصایب ملی و بنای سرنوشت صلح آمیز برای نسل های آینده افغانستان، اعاده ثبات و امنیت در کشور و تشکیل نظام سیاسی همه شمول مبتنی به اراده و رای مردم برای پایان دادن به جنگ و خشونت در کشور، شماری از بزرگان سیاسی، مذهبی، فعالین جامعه مدنی، رسانه ها، نهادهای آکادمیک، و سکتور خصوصی افغانستان، اعم از زن و مرد، پس از رایزنی و مشورت های گسترده تصمیم به اساس گذاری جریان ملی سیاسی و فکری بنام «حرکت ملی صلح و عدالت» گرفته اند، تا بعنوان یک مجمع سیاسی در نجات کشور از بحران های جاری مسئولیت ملی خود را ادا نمایند.

حرکت ملی صلح و عدالت به هدف تامین صلح و امنیت پایدار، عدالت اجتماعی و وحدت ملی در کشور بنیان گذاری گردیده است. خط مشی و اهداف اساسی حرکت ملی صلح و عدالت و دیدگاه های اساسی آن پیرامون مسایل کلان ملی به هدف تامین منافع علیای افغانستان مشتمل بر اصول و موقف های سیاسی ذیل در هشت بخش در این منشور ارایه می گردد:

## بخش اول

**بحران های جاری در افغانستان نه تنها زندگی و آینده مردم افغانستان، بلکه امنیت و ثبات منطقه و جهان را با خطرات و تهدیدات جدی روبرو ساخته است.**

تداوم چهار دهه جنگ و خشونت در اشکال و ابعاد مختلف آن تاثیرات ویرانگری بر جامعه و کشور ما برجا گذاشته است. گسست سیاسی و فروپاشی نظام امنیتی و اقتصادی افغانستان از پیامد های اصلی منازعه و خشونت است که کشور را با بحران های مختلفی مواجه نموده است.

سقوط نظام جمهوری اسلامی افغانستان، نه تنها یک جفای تاریخی و نابخشودنی در رابطه با قربانی های مشترک مردم افغانستان و همکاران بین المللی در دو دهه گذشته بوده، بلکه منافع حیاتی و مشترک افغانستان، منطقه و جامعه بین المللی را با خطرات و تهدیدات جدی روبرو ساخته است. مردم افغانستان حق دارند تا عوامل داخلی و خارجی این تراژیدی مصیب بار را شناسایی کرده و شاهد یک روند شفاف حسابدهی و پاسخگویی در سطح ملی و بین المللی باشند.

سقوط نظام جمهوری اسلامی افغانستان و تسلط یافتن طالبان، موجب تعمیق بحران سیاسی و گسترش بحران بشری و امنیتی گردیده است. قریب یک سوم جمعیت کشور مهاجر و بیجا شده داخلی بوده و در حدود نود در صد مردم کشور زیر خط فقر زندگی می کنند. به علاوه، خشک سالی بعنوان پیامد تاثیرات منفی تغییرات اقلیمی، افغانستان را با بحران بشری کم سابقه ای مواجه ساخته است. فقدان مشروعیت نظام سیاسی، و انزوای جهانی اداره فعلی، فرار مغزها و نیروی جوان کشور، به تشدید این بحران کمک نموده و توان جمعی ما را برای مبارزه با تهدیدات امنیتی و بحران بشری جاری در افغانستان به تحلیل برده است.

تداوم خشونت و تبدیل شدن افغانستان به میدان نبردهای تروریستی و نیابتی نه تنها سبب ادامه خونریزی، فقر، درد و رنج مردم افغانستان گردیده، بلکه منطقه و جامعه جهانی را با تهدید مضاعف تروریسم و نا امنی، مواد مخدر و جرایم سازمان یافته، سیل مهاجرت های اجباری و از بین رفتن فرصت های اقتصادی روبرو ساخته است. بناء مهار کردن این بحران ها بدون شک منفعت و مسئولیت مشترک مردم افغانستان، کشور های منطقه و جهان است که مساعی همه جانبه را می طلبد. اما این مساعی باید در گام نخست با استعجالیت کامل و فراهم آوری فضای مساعد سیاسی به مقصد مهار کردن فاجعه بشری و اقتصادی در کشور متمرکز شود. در عین زمان تلاش ها برای حل دایمی مشکلات سیاسی و ابعاد داخلی و بین المللی بحران افغانستان باید از سر گرفته شود. رفع دایمی بحران افغانستان وابسته به استقرار صلح پایدار و ایجاد نظام و حکومت همه شمول ملی، متکی به اصول و ارزش های دینی و مردم سالاری است.

## بخش دوم

### حل پایدار بحران های کنونی کشور از راه نظامی نه، بلکه فقط از راه گفتگو های سازنده بین الافغانی ممکن است.

تجربه جمعی ما از ظهور و زوال حکومت ها در چهار دهه گذشته نشان می دهد که بدست آوردن قدرت از راه زور و جنگ راه حل نیست و نمی تواند بدون مراجعه به ارای مردم، تامین عدالت اجتماعی و حقوق همه شهروندان کشور دوام و قوام پیدا نماید. در عوض انحصار قدرت و تحمیل حاکمیت حزبی و گروهی منجر به تداوم جنگ و منازعه گردیده و کشور را به عمق بحران و نابسامانی فرو می برد. خاموش ساختن مردم با اعمال خشونت و سرکوب نه تنها که به اعاده ثبات و آرامش کمک نمی کند، بلکه موجب تحریک و دامن زدن به جنگ های ویرانگر داخلی گردیده و زمینه ساز جنگ های تحمیلی نیابتی می شود که مردم افغانستان انرا با تمام وجود تجربه نموده و هزینه سنگین آنرا پرداخته اند.

ما بر این باوریم که تنها راه پایان دادن به خشونت و منازعه و رسیدن به صلح و ثبات سیاسی در کشور، از طریق گفتگوهای مستقیم و صادقانه بین الافغانی و پذیرش واقعیت‌های عینی جامعه و کشور میسر است. ما حفاظت از استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، حاکمیت قانون، وحدت ملی و رعایت و حمایت از حقوق انسانی تمامی شهروندان کشور را یک اصل اساسی می‌دانیم که باید در هر گزینه‌ای تأمین گردد، اما جنگ را راه حل معضل کشور نمی‌دانیم و بر این باوریم که نباید مردم مجبور شوند که برای دفاع از خود و دفاع از آزادی و حقوق بنیادی خود در نبود یک راه حل سیاسی، بحیث یگانه راه حل، به ادامه جنگ متوسل شوند.

بناء از تمام تلاش‌های سازنده برای رسیدن به صلح عادلانه که بصورت بنیادی و حتمی نیازمند یک نظام متکی به اراده ملت و پابند به حقوق و آزادی‌های اساسی شهروندان کشور است، حمایت می‌کنیم. باور عمیق داریم که چنین نظامی برای همه مردم افغانستان، اعم از زن و مرد، زندگی مصئون و با وقار را در سرزمین اجدادی مان فراهم می‌سازد. بدین لحاظ، از طالبان و تمام جناح‌های سیاسی کشور می‌خواهیم صادقانه و با خودگذری و تعهد به منافع علیای مردم و کشور برای صلح و مذاکره بین الافغانی قدم بردارند، زیرا استقرار دائمی صلح، ایجاد نظام مشروع و همه شمول صرفاً از راه مذاکرات بین الافغانی و با حمایت منطقه و جامعه بین‌المللی ممکن است.

از سرگیری مذاکرات بین الافغانی و رسیدن به یک «توافق سیاسی» برای قطع دائمی جنگ و خشونت و تشکیل «دولت جدید اسلامی» باید بر اساس تعهدات الزام آور موافقتنامه صلح دوحه بین آمریکا و طالبان که در فروری ۲۰۲۰ به امضا رسید، صورت گیرد. از آنجائیکه که طرفین این موافقتنامه تا کنون بر پایبندی خویش به تعهدات آن اذعان داشته و بران تأکید می‌ورزند، این امر یک بار مسئولیت را به عهده هر دو جانب می‌گذارد و باید به آن عمل نمایند.

از سرگیری فوری مذاکرات بین الافغانی صلح به هدف رسیدن به یک توافق سیاسی مبتنی بر صلح پایدار و ایجاد نظام سیاسی متکی بر آزاده ملت یک اولویت فوری است تا از جنگ و خونریزی بیشتر جلوگیری شده و کشور به میدان کشمکش جنگ‌های نیابتی و تحمیلی مبدل نگردد. رسیدن به یک توافق سیاسی مبتنی بر صلح پایدار و ایجاد نظام برخاسته از رای مردم باید به تعهد الزامی و اولویت اساسی طرف‌های افغانی، منطقه و جامعه بین‌المللی مبدل گردیده و تحقق آن از سوی منطقه و جامعه جهانی تضمین و مورد حمایت قرار گیرد.

گفتگوهای صلح زمینه را برای طرح دیدگاه‌های متفاوت و مختلف و بررسی منطقی و معقول آن فراهم می‌نماید تا همه جناح‌ها و اطراف سیاسی کشور از طریق گفتگو به تقریب دیدگاه‌ها و در نتیجه به تصمیم مشترک برای بنای نظام سیاسی همه شمول و انعکاس دهنده ترکیب اجتماعی و سیاسی کشور دست یابند. مسلمان بودن و افغان بودن سرمایه عظیم و مسئولیت تاریخی را برای همه‌ی ما ایجاد می‌نماید تا روی اصل تمکین به اراده ملت توافق و عمل نمائیم. نظام سیاسی مشروع و مورد قبول آحاد ملت افغانستان به اعاده جایگاه افغانستان در نظام بین‌المللی کمک نموده و منتج به استقرار صلح و ثبات و امنیت در کشور گردیده و زمینه بازسازی و توسعه کشور را مساعد می‌سازد.

## موفقیت مذاکرات بین الافغانی برای صلح پایدار و نظام مشروع در کشور منوط به آن است که تحریک طالبان و جامعه بین المللی به تعهدات خود عمل نمایند.

ما با باور و تعهد به اهداف و ارزش های دینی و انسانی فوق و دفاع از حقوق اساسی مردم کشور و منافع ملی افغانستان به حل مسالمت آمیز قضایا و ایجاد توافق و اجماع سیاسی از طریق گفتگوهای بین الافغانی اولویت داده و انرا یک وجیبه ملی می دانیم. برای رسیدن به توافق سازنده و بنای صلح عادلانه و پایدار و در نتیجه تشکیل دولت اسلامی دارای مشروعیت سیاسی داخلی و بین المللی، به تحقق یک نقشه راه با موارد مهم ذیل تاکید می کنیم:

### الف، برگزاری مذاکرات بین الافغانی

این مذاکرات باید بر اساس تعهدات الزام آور موافقتنامه صلح دوحه به منظور رسیدن به توافق سیاسی برای قطع جنگ و خشونت و تشکیل دولت جدید اسلامی میان جوانب افغانی برگزار گردد. در حالیکه «جوانب افغانی» در موافقتنامه صلح دوحه تعریف مشخص نگردیده، از دید ما از سرگیری مذاکرات بین الافغانی میان تحریک طالبان و شورای عالی مصالحه ملی که باید با تشکیلات و میکانیزم جدید، نمایندگی حقیقی مردم افغانستان را تامین نماید، کاملاً مشروع و ضروری بوده و میتواند کشور را از پیچیدگی ها و بحران های جدید سیاسی محفوظ نگهدارد.

در مطابقت با مصوبه ۲۵۱۳ شورای امنیت سازمان ملل متحد، انتظار می رود تا جامعه بین المللی مخصوصاً شورای امنیت سازمان ملل متحد، کشورهای عضو گروه میزبان، تروییکا، گسترش یافته فارمت مسکو، روند قلب آسیا-استانبول و سازمان ملل متحد، از برگزاری و روند مذاکرات بین الافغانی و تحقق توافق سیاسی آن حمایت لازم سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و بشری را بعمل آورند. در واقع ضمانت اجراییوی جامعه بین المللی، در راس شورای امنیت ملل متحد، منتج به حمایت ملی، منطقی و بین المللی از مذاکرات و توافق بین الافغانی خواهد گردید.

سازمان ملل متحد باید نقش تسهیل کننده و میانجی مذاکرات را با توظیف منابع لازم سیاسی، بشری و تخنیکي ایفا نموده و در تعمیق و تعمیق اجماع ملی، منطقی و بین المللی بشمول تعیین مکان مذاکرات تلاش نماید.

### ب، رسیدن به توافق سیاسی

با توجه به خواست برحق مردم افغانستان و متکی به مفاد موافقتنامه صلح دوحه، هدف اساسی توافق سیاسی باید شامل سه مورد ذیل گردد:

1. صلح پایدار و قطع دائمی جنگ و خشونت،
2. تاسیس دولت جدید اسلامی افغانستان و
3. محفوظ نگه داشتن کشور در برابر حضور و فعالیت های تروریسم بین المللی و جنگ های تحمیلی نیابتی.

دولت جدید اسلامی افغانستان باید متکی به ارزش های اسلامی و تعهدات بین المللی افغانستان، پابند به حفاظت و رعایت حقوق بشری و آزادی های اساسی تمامی مردم افغانستان اعم از قوم، مذهب، زبان، جنس، سن و حالت مدنی باشد. این امر حیاتی باید در قانون اساسی کشور تسجیل و از سوی دولت جدید اسلامی با مسئولیت پذیری کامل تحقق یابد.

در رسیدن به اهداف فوق، مذاکرات بین الافغانی باید به موضوعات ذیل پرداخته و آنرا در توافق سیاسی شامل سازد:

- **مشروعیت ملی و بین المللی توافق سیاسی:** توافق سیاسی بین الافغانی باید از سوی لویه جرگه همه شمول مردم افغانستان در اسرع وقت مورد تأیید قرار گیرد. تأیید توافق سیاسی بین الافغانی از طرف شورای امنیت ملل متحد باید ضمانت اجرایی و حمایت لازم سیاسی و اقتصادی را فراهم سازد.

- **حکومت همه شمول در دوره گذار:** ساختار، نحوه گزینش، هدف، مسئولیت ها، صلاحیت ها و چهارچوب زمانی این حکومت باید بر اصل مشارکت ملی و نمایندگی مشروع از طیف های وسیع مردم کشور بشمول زنان و نسل جوان، در توافق سیاسی تسجیل گردد. به منظور جلوگیری از تداخل منافع، مهم است تا رهبری و اعضای حکومت همه شمول در دوره گذار در اولین انتخابات برای دولت منتخب کاندید نشده و بی طرفی خود را حفظ نمایند.

- **قانون اساسی:** حاکمیت قانون اساسی در کشور باید اساس نظام را تشکیل دهد. با در نظر داشت شرایط جدید، کمیسیون تخصصی و همه شمول برای مرور و اصلاح قانون اساسی توظیف و تا زمانیکه قانون اساسی از طریق اجماع ملی تعدیل می گردد، قانون اساسی سال ۱۳۸۲ مرعی الاجرا گردد. اصل حفظ و توسعه حقوق و آزادی های اساسی اتباع که در قانون اساسی ۱۳۸۲ تسجیل گردیده، باید در هر حالت مورد پیروی قرار گیرد.

- **دولت منتخب:** عبور از دوره گذار به حکومت دایمی و منتخب، ایجاد ارگان های عالی تقنینی و قضا و شورا های مردمی باید بر اساس قانون اساسی کشور در چهارچوب زمانی تعیین شده صورت گیرد.

- **امنیت و حاکمیت قانون:** ایجاد قوای دفاعی و امنیتی کشور (با شمولیت افرادی که به دو جانب ارتباط داشتند) تحت قومانده و کنترل حکومت دوره گذار و حکومت منتخب، خلع سلاح و ملکی سازی نظامیان منفصل شده، مبارزه با تروریسم بین المللی، مواد مخدر و جرایم سازمان یافته، برگشت و اسکان مجدد مهاجرین به شمول انهاییکه بعد از سقوط جمهوری اسلامی کشور را ترک کرده اند و همکاری ملی و بین المللی برای بازسازی و توسعه عادلانه و همه شمول در کشور باید در توافق سیاسی شامل گردد.

- **ضمانت و همکاری های بین المللی:** پایداری صلح، امنیت و ثبات، توسعه و رفاه اقتصادی کشور مستقیماً به مناسبات افغانستان با منطقه و جامعه جهانی ارتباط دارد. مبارزه با تروریسم، مواد مخدر و جرایم سازمان یافته، رعایت حقوق بشری و آزادی های اساسی، جلوگیری از مهاجرت های کتلوی و اتصال منطوقی از مهم ترین موارد منافع مشترک میان افغانستان، منطقه و جامعه بین المللی است که باید در توافق سیاسی مسجل گردد. جامعه بین

المللی در راس شورای امنیت ملل متحد باید در تحقق این توافق سیاسی ضمانت های اجرایی و حمایت های لازم را فراهم نماید. درین راستا، احیا و تحقق تعهدات بین المللی بشمول تعهدات کنفرانس ژینو سال ۲۰۲۰ از اهمیت خاص برخوردار است. البته بدیهی است که اراده جوانب افغانی و مفاد توافق سیاسی مهم ترین عامل در جلب حمایت و ضمانت جامعه بین المللی خواهد بود.

- نقش سازمان ملل متحد: توقع می رود که سازمان ملل متحد منحنی ارگان بی طرف و با اعتبار بین المللی نقش کلیدی را در روند تحقق توافق سیاسی و تنظیم همکاری، مساعدت و ضمانت های جامعه بین المللی، ایفا کند.

### ج، رسیدگی به بحران های عاجل کشور

اجماع کلی وجود دارد که مبارزه موفقانه با پنج بحران به هم تنیده کشور، یعنی بحران سیاسی، بشری، حقوق بشری، اقتصادی و امنیتی، مستلزم همکاری های همه جانبه ملی و بین المللی است. البته این همکاری ها نیز مشروط و منوط به مشروعیت سیاسی نظام حاکم در کشور است که عدم وجود آن در حال حاضر مهم ترین و تعیین کننده ترین عامل تشدید و تداوم سایر بحران ها گردیده است. درست به همین خاطر است که ما روی مذاکرات بین الافغانی و رسیدن به توافق همه شمول سیاسی تاکید می ورزیم. ولی در عین زمان باور داریم و اصرار می ورزیم که رسیدگی به سایر بحران های کشور در تمام مراحل، یعنی قبل از مذاکرات بین الافغانی، در جریان مذاکرات بین الافغانی، مرحله گذار و تاسیس حکومت منتخب باید در محراق همکاری های ملی و بین المللی قرار گیرد.

شکی نیست که جامعه بین المللی در رسیدگی به بحران بشری از قبل مساعدت های مهم و قابل وصف را انجام داده و آماده است تا در حل بحران اقتصادی کشور نیز کمک نماید مشروط بر اینکه طالبان تعهدات و مسئولیت های خود را در رعایت قانون بین المللی بشردوستانه، حقوق بشری مخصوصاً حقوق زنان، حفظ جان و مال منسویین پیشین نظامی و ملکی و رسیدن به توافق همه شمول افغانی ایفا کنند. تشکل ما یقیناً تلاش خواهد کرد تا در تمام این مراحل مسئولیت تاریخی خود را در جهت ایجاد همکاری ملی و بین المللی ایفا کند.

### بخش چهارم

**استقرار نظام سیاسی متکی به اراده و رای مردم و پابند به حقوق بشری و آزادی های اساسی شهروندان افغانستان در پرتو اعتقادات اسلامی اساس صلح پایدار در کشور را تشکیل می دهد.**

ما در افغانستان نظام سیاسی اسلامی، غیر قابل تجزیه و برخاسته از اراده مردم می خواهیم. با بیش از ۹۹ درصد جمعیت مسلمان درکشور، نظام برخاسته از ارای ملت مسلمان بدون تردید نظام اسلامی مبتنی بر ارزش ها و اعتقادات دینی مردم کشور استوار خواهد بود.

در طول تاریخ معاصر افغانستان، نظام های سیاسی مختلف از شاهی مطلقه و شاهی مشروطه تا نظام های شبه جمهوری اما غیر دموکراتیک و در نهایت نظام امارتی را در حیات ملی نیم قرن اخیر خویش تجربه نموده ایم. تجربه های ناکام گذشته هرگز نمی تواند راهگشای آینده روشن برای این سرزمین باشد بلکه تنها به تشدید مشکلات و ناپایداری حاکمیت سیاسی در کشور کمک می کند.

پایه گذاری یک نظام سیاسی اسلامی، واحد و غیر قابل تجزیه مبتنی بر رای و اراده مردم کشور و استحکام مبانی آن مطابق به ارزش های دین مبین اسلام و باور و فرهنگ نیک مردم و تعهدات بین المللی کشور یک ضرورت اساسی است. این نظام سیاسی بر اساس تجربه جهان اسلام و سایر ملت های جهان و در مطابقت با بافت اجتماعی و واقعیت های سیاسی افغانستان، از لحاظ ساختاری باید اصول و ارزش های ذیل را انعکاس بدهد:

- **مشروعیت نظام و رهبری سیاسی دولت.** انتخاب سرنوشت سیاسی و پاسخگو قرار دادن دولت، حق پذیرفته شده جهانی یک ملت است، که باید در هر حالت برای مردم افغانستان تضمین شود. زعامت و رهبری سیاسی نظام باید بر اساس اراده و رای مردم افغانستان از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم برای مدتی که در قانون اساسی تعیین گردیده، انتخاب شده و در برابر مردم پاسخگو باشند.

- **تفکیک قوا** یک اصل پذیرفته شده در نظام های سیاسی معاصر و از مطالبات نهضت های تاریخی مشروطیت و جریان ها و حرکت های سیاسی و مدنی در کشور است. صلاحیت های قوه مقننه، قوه قضائیه و قوه اجرائیه باید بر اساس مبانی و حکم قانون اساسی تفکیک گردیده و از تاثیر و مداخله قوه اجرائیه بدور بماند. تحکیم و توسعه حاکمیت قانون باید به بخش اساسی مسئولیت های اصلی دولت در برابر ملت مبدل گردد.

- **ساختار نظام سیاسی:** با توجه به تجربه سیاسی معاصر کشور، نظام متمرکز از موثریت و کارایی لازم برای ازیین بردن فاصله میان مردم و دولت، پاسخگویی به مطالبات مردم و حل بحران های سیاسی با توجه به بافت اجتماعی و سیاسی کشور برخوردار نیست. بناء حرکت ملی صلح و عدالت باورمند به یک نظام سیاسی غیر متمرکز است که ممثل اراده ملت واحد در افغانستان بوده و اصلاحات ساختاری ذیل را به منظور تسجیل در قانون اساسی به پیشگاه ملت خود ارایه می کند:

1. افزایش پست های معاونین رئیس جمهور، ایجاد پست صدارت و معاونین ان با تسجیل مسئولیت ها و صلاحیت ها و نحوه گزینش آن در قانون اساسی،

2. تمرکز زدایی، ارتقای صلاحیت های اجرائیوی ادارات محلی و افزایش نقش مردم در گزینش مسئولین ارشد ادارات محلی در قانون اساسی، و



3. تامین مشارکت سیاسی همه گروه های قومی، زبانی و مذهبی کشور اعم از زن و مرد و نسل جوان یک اصل اساسی برای بنیاد گذاشتن حکومت پایدار و حل اساسی معضل دیرپا و تاریخی در افغانستان است که باید بر اساس میکانیزم های انتخابی و معیار های متعارف حقوقی صورت گیرد و دولت آئینه تمام نمای تمام ملت و شهروندان کشور باشد.

- **حقوق بشری و حقوق زنان.** دولت باید متعهد و مکلف به حفاظت و حراست از حقوق و آزادی های اساسی شهروندان کشور بدون در نظر داشت جنسیت و تعلقات اجتماعی و فرهنگی بوده و از ارزش های اسلامی و جهان شمول آزادی بیان و اجتماعات و تشکل های سیاسی قویا حمایت نماید.

- **احزاب سیاسی فراقومی و ملی پایه های اساسی یک نظام سیاسی مردم سالار است.** بناء ما تقویت نظام حزبی قانونمند و مبتنی بر ارزش های مردم سالار را یک اصل مهم برای پویایی سیاسی در کشور دانسته و از ان حمایت می کنیم.

- **نظام انتخاباتی:** ما نظام انتخاباتی را برای افغانستان می خواهیم که بتواند زمینه اشتراک تمام مردم واجد شرایط اعم از زن و مرد را مساعد و حضور موثر احزاب و جریان ها و روند های سیاسی را فراهم نموده و به روایت قومی در مناسبات قدرت و سیاست در افغانستان نقطه پایان بگذارد. نهادینه سازی یک نظام انتخاباتی مستقل و کارآمد و شفاف یکی از ضرورت ها و اولویت های بزرگ افغانستان است.

- **قوای دفاعی و امنیتی ملی.** ما تشکیل مجدد قوای دفاعی و امنیتی ملی، منظم و مسلکی و غیر سیاسی را برای حفاظت از حاکمیت و امنیت ملی، نظام سیاسی و تمامیت ارضی و حراست از عزت، عظمت و نوامیس ملی مردم افغانستان یک اصل می دانیم. چنین قوای دفاعی و امنیتی ملی می تواند ستون محکم تداوم نظام سیاسی و جلوگیری از انقطاع سیاسی و کودتا ها و تحرکات براندازانه و ویرانگر سیاسی و جلوگیری از مداخلات و تهدیدات خارجی باشد. قوای دفاعی و امنیتی ملی باید از میان کادر های ورزیده و نیروهای متعهد هر دو طرف و سایر شهروندان کشور تشکیل گردیده و آئینه تمام نمای مشارکت و وحدت ملی و مدافع ارزش های جمعی باشد.

### بخش پنجم

**تحکیم وحدت ملی بر اساس مشارکت ملی و عدالت اجتماعی بنیاد ملت سازی، دولت سازی و پایداری صلح را در کشور تضمین می کند.**

تنوع قومی و زبانی و کثرت فرهنگی مردم، کشور ما را به یکی از غنی ترین ملت های منطقه مبدل نموده است و سهم اساسی را در توسعه و رشد تمدن مشترک اسلامی و منطقوی ایفا نموده است. این سرمایه ملی مردم ما بنیاد عظیمی را برای ملت سازی، دولت سازی و تداوم تاریخی کشور مهیا نموده است. علی الرغم تمام تجاوزات و ویرانگری های خارجی و مظالم حکام داخلی

جدا از اینکه به کدام قوم کشور ارتباط داشته است، ملت ما وحدت ملی و تجزیه ناپذیری کشور خود را با قربانی های بی شمار صبورانه حفظ کرده است.

ما مسئولیت تاریخی خود می دانیم تا این سرمایه بزرگ مردم و وطن خود را که از اجداد خود به میراث گرفته ایم، با امانت داری کامل حفظ و به نسل های بعدی منتقل کنیم. بدیهی است که مهم ترین عامل حفظ و رشد این سرمایه، وحدت ملی در کثرت ما بوده که آنهم بنوبه خود متکی به عدالت اجتماعی و مشارکت ملی در نظام سیاسی است.

ما تهداب اساسی مشارکت ملی و عدالت اجتماعی را در ماهیت نظام بر اساس اراده مردم می بینیم که باید به اصول بنیادی زیرین از راه قانون اساسی کشور پابندی داشته باشد:

- پابندی به حقوق و آزادی های اساسی شهروندان افغانستان، اعم از زن و مرد،
- تساوی حقوق در برابر قانون و حاکمیت قانون،
- مشروعیت زعامت و دولت داری از راه انتخابات،
- مشارکت مردم و نمایندگان آنها در نظام از سطح قریه تا مرکز و رهبری دولت،
- پاسخگویی نظام به مردم در تمام سطوح اداره، و
- متوازن سازی و تمرکز زدایی اداره در جهت عرضه خدمات عامه به مردم و فراهم آوری فرصت های عادلانه در همه ابعاد رشد و توسعه بشری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

در پهلوی آن باور عمیق داریم که بزرگترین سرمایه یک کشور، مردم آن است. بدین لحاظ تاکید می کنیم که رشد این سرمایه حیاتی که منبع رشد تمام سرمایه های دیگر به شمار می رود، باید با فراهم سازی زمینه های تحصیل زن و مرد چنانچه دین مقدس اسلام حکم کرده و انرا فرض دانسته است، رشد تمام زبان های کشور بشمول آموزش و تدریس به زبان مادری و توسعه ادبیات، علم، هنر و فرهنگ مردم ما به مسئولیت دایمی دولت جدید ما مبدل گردد. با توجه به اصل احترام به تکثر فرهنگی در کشور، دولت باید در رشد و توسعه زبان اوزبیک و ترکمنی (ترکی) منحیث زبان رسمی دولت در پهلوی زبان پشتو و دری و سایر زبان های کشور که در قانون اساسی تسجیل گردیده، برنامه های خاص را عملی سازد.

با توجه به تجربه کشورهای جهان در عرصه ملت و دولت سازی در عصر پسا-استعمار، مدل مناسب برای کشورهای دارای تکثر قومی، ملت و دولت سازی بر اساس ارزش های قانون اساسی بعنوان سند ملی و ایجاد ساختار سیاسی مشارکتی و عادلانه است. بناء ما بر این باوریم که تدوین قانون اساسی فراگیر و جامع بر اساس واقعیت های عینی و ضرورت های آتی کشور یک ضرورت اساسی برای تحکیم پایه های وحدت ملی است. ما انکشاف یک روایت ملی بر پایه اصول ملت و دولت سازی را برای جلوگیری از روایت های نفاق افکنانه در میان مردم افغانستان یک ضرورت حیاتی می دانیم.

## رشد اقتصادی همه شمول با فرصت های عادلانه برای تمام مردم افغانستان آسیب پذیری کشور را در برابر خطرات جنگ کاهش داده و پایداری صلح را میسر میسازد.

- **نظام اقتصادی بازار.** نظام کنونی اقتصادی کشور نظام بازار بوده که باید امور ان متکی به تجارب موفق جهانی مخصوصا مدل کشور های رشد یافته اسلامی از سوی دولت بصورت قانونمند تنظیم شود. این نظام می تواند زمینه های رقابت مثبت اقتصادی را فراهم نموده و به ادغام و افزایش سهم افغانستان در مناسبات اقتصادی و مبادلات تجاری جهان بعنوان عضو سازمان تجارت جهانی کمک کند. اما بر این باوریم که با بهره گیری از تجربه سایر کشورهای جهان در شرایط پس از جنگ، روند خصوصی سازی و کاهش بیمه های اجتماعی و حمایتی دولت نباید با شتاب و سرعت بی رویه صورت گیرد. تطبیق تدریجی و مدیریت شده نظام بازار متناسب به ضرورت های اقتصادی افغانستان می تواند به کاهش فاصله میان غنی و فقیر و جمعیت شهری و روستایی کمک نموده و از عواقب نا خواسته و منفی اقتصادی بر ساختار اقتصاد نیمه جان کشور جلوگیری کند. همکاری و مشارکت نزدیک سکتور خصوصی و دولتی با در نظر داشت تجربه کشورهای که راه رشد سریع را طی کرده اند در موفقیت پالیسی اقتصادی کمک می نماید.

- **نظام مالی و پولی.** ما نظام مالی کارآمد و موثر را در مدیریت منابع مالی و سیاست پولی، از طریق بانک مرکزی مهم دانسته و انرا بعنوان زیر بنای مدیریت رشد و توسعه سالم اقتصاد و نظارت و جلوگیری از تمویل تروریزم و جرایم مالی و اقتصادی مانند پول شویی و توسعه اقتصاد جرمی و غیر رسمی می دانیم. بانک مرکزی باید در مدیریت نظام مالی کشور در هماهنگی با وزارت مالیه و بر اساس قانون و معیار های بین المللی صلاحیت های اجرایی و پالیسی سازی لازم را داشته و از دخالت های سیاسی و غیر مسلکی بدور بوده و در عین حال پاسخگو به مردم و رهبری دولت باشد. از جامعه بین المللی مصرانه می خواهیم که بر بنیاد قانون بین الملل از دارائی ها و ذخایر ارزی افغانستان که به مردم کشور تعلق دارد، حفاظت نموده و از استفاده قانونمند آن حمایت نماید.

- **نظام بودجوی.** با در نظر داشت منابع و ثروت طبیعی که خداوند به تمام ولایات کشور ارزانی فرموده و منابع عایداتی کشور را تشکیل می دهد، ما از نظام بودجوی واحد مرکزی که بر اساس اولویت های ملی و با در نظر داشت و سنجش نیازمندی های محلی مردم در سراسر کشور تدوین شده باشد، حمایت می کنیم. بودجه سازی مرکزی براساس سنجش چنین اولویت ها و نیازمندی ها با جمع اوری عواید و بازتوزیع آن در تقسیمات بودجوی از یک سو به مدیریت موثر منابع مالی کمک می کند و از سوی دیگر می تواند از منازعات افقی میان ولایات دارای معادن و عواید گمرگی و یا سایر منابع دائمی عایداتی و ولایاتی که فاقد منابع عایداتی کافی و دایمی می باشند، جلوگیری نماید. در عین زمان مردم ولایاتی که عواید ملی را تولید می نمایند باید از یک فیصدی مشخص ان بصورت قانون مند بهره مند گردند. البته بودجه سازی و بازتوزیع عواید ملی باید براساس سنجش عادلانه نیازمندی ها و اولویت های

محیطی صورت گیرد. در عین زمان باید به تدریج وابستگی بودجه ملی به عواید گمرکی و مخصوصاً منابع طبیعی تقلیل یافته و در عوض بودجه ملی با تکیه بر انکشاف نیروی بشری کشور و فعالیت های خدماتی و تولیدی از اساس و تهداب پایدار و اساسی برخوردار شود.

- **حمایت از سکتور خصوصی و جلب سرمایه گذاری خارجی و داخلی.** وابستگی کشور های پس از جنگ به کمک های خارجی بر اساس تجربه تاریخی ما و سایر ملت های جهان می تواند به کندی توسعه و کاهش پویایی اقتصادی بیانجامد. ما بر این باوریم که افغانستان می تواند با تکیه بر سکتور خصوصی و جلب و جذب سرمایه های خارج شده از افغانستان و جلب منابع خارجی و تسهیل سرمایه گذاری آن در سکتور های مختلف اقتصادی، زمینه رشد و توسعه اقتصادی در کشور را فراهم نموده و در مبارزه با فقر و گرسنگی و غلبه بر بحران های بشری در کشور و فراهم ساختن زمینه های زندگی با وقار برای همه شهروندان موفق شود. صلح، امنیت، حاکمیت قانون، منابع تحصیل کرده بشری اعم از زن و مرد، زیربنای انرژی، مواصلاتی و ارتباطی و داشتن نظام مالی و اداری سالم و مبارزه با رشوه و فساد اداری، شرایط اساسی را برای سرمایه گذاری دولتی و خصوصی، ملی و بین المللی فراهم میسازد. در عین زمان چنین سرمایه گذاری ها رشد اقتصادی را تسهیل و بر تقویت این عوامل مهم اثر گذاری مثبت داشته و بدین ترتیب حلقه صالحه رشد و رفاه اقتصادی را شکل می دهد. ما باید از کمک های بین المللی و سرمایه گذاری های دولتی و خصوصی ملی و خارجی برای تولید ثروت و کاهش فقر و رفاه همه شمول در میان تمام مردم کشور استفاده موثر و مسئولانه کنیم.

## بخش هفتم

**سیاست خارجی مبتنی بر منافع مشترک افغانستان و جامعه منطقه بی و بین المللی متضمن حفظ صلح، ثبات، امنیت و رفاه مشترک است.**

افغانستان دارای موقعیت جغرافیایی استراتژیک است. قرار گرفتن افغانستان در جغرافیای میان خاور میانه، آسیای میانه، و آسیای مرکزی، جنوبی و شرقی، فرصت ها و تهدید های خاص امنیتی و اقتصادی را متوجه آن نموده است. با توجه به گسل های فعال منازعه در منطقه، به افغانستان بیشتر از دید ژئوپولیتیک اهمیت داده شده است. با وجود انقطاع و گسست های سیاسی مداوم در کشور در دهه های گذشته، موقعیت استراتژیک افغانستان بیشتر تبعات و تاثیرات منفی بر سرشت و سرنوشت سیاسی کشور بر جا گذاشته است. انزوای سیاسی افغانستان و قرار گرفتن آن در نقش «کشور حایل» و یا تعریف آن از سوی حلقه های خاص بعضی کشور ها بعنوان «حیاط خلوت» و یا «عمق استراتژیک»، افغانستان را در کام بحران های منطقوی و فرامنطقوی فرو برده است.

ما بر این باوریم که تحرک و پویایی دیپلماسی و سیاست خارجی کشور متکی به استحکام دموکراتیک قدرت در داخل کشور و مشروعیت و مقبولیت داخلی و بین المللی آن می تواند به نقش های تحمیل شده بر خاک و جغرافیای افغانستان پایان دهد.

افغانستان می تواند مانند عصر جاده ابریشم با گذار از تنگناهای ژئوپولیتیک و باز تعریف مناسبات منطقه در یک نظم ژئو اکونومیک، نقش اساسی را در اتصال منطقوی و توسعه همکاری های اقتصادی ایفا نماید. راه ابریشم جدید، راه لاجورد، و سایر پروژه های منطقوی در زمینه انتقال برق و گاز و رونق تجارت منطقه بی زمینه ها و فرصت های بزرگ و بی پیشینه را برای باز تعریف نقش افغانستان در تسهیل و تقویت اتصال منطقوی و همکاریهای اقتصادی فراهم نموده اند. سیاست خارجی فعال مبتنی بر منافع ملی می تواند تهدید های موجود را تبدیل به فرصت نموده و فرصت ها را به نفع افغانستان استفاده و مهار نماید.

ما بر این باوریم که سیاست خارجی افغانستان بر اساس خطوط تعریف شده منافع ملی کشور تنظیم گردیده و ترتیب اولویت های ذیل در تعیین مناسبات خارجی کشور در نظر گرفته شود.

- **کشور های همسایه افغانستان** شرکای اصلی کشور را در حوزه امنیت، تجارت و ترانزیت تشکیل می دهند. ما از سیاست خارجی سازنده و فعال میان افغانستان و همسایگان آن بر اساس احترام متقابل و متکی به اصل خود ارادیت ملی، استقلال و تمامیت ارضی و منافع مشروع دولت ها، حمایت می کنیم و اجماع منطقوی را برای عبور از شرایط دشوار کنونی مهم می دانیم. ما از کشور های همسایه افغانستان می خواهیم که در باز تعریف ساختار امنیتی و اقتصادی منطقه که افغانستان در آن نقش محوری را ایفا می نمایند سهم شایسته گرفته و برای شکل دهی اجماع منطقوی برای حمایت از راهکارهای اصولی و معقول برای حل معضل افغانستان تلاش نمایند. زیرا صلح و ثبات در افغانستان می تواند به تقویت صلح و ثبات در منطقه و پایان دادن به خطر و تهدید تروریسم بین المللی بیانجامد.

- **کشور های اسلامی:** افغانستان عضو پر افتخار پیکره امت اسلامی است و با توجه به اصل برادری و اخوت اسلامی، ما خواهان مناسبات سالم و سازنده با جهان اسلام و کشورهای اسلامی هستیم. مبارزه با تروریسم و گروه های تندرو و افراطی که با درک نادرست از اسلام در بدنام ساختن دین مبین اسلام و ایجاد اسلام هراسی در جهان نقش داشته و در کشورهای اسلامی و بخصوص در افغانستان، امنیت و نظم اجتماعی را هدف قرار داده و موجب دوام خشونت و جنایت شده اند، وظیفه و مسئولیت دینی و ایمانی کشور ها و ملت های مسلمان است تا در ریشه کن ساختن چنین جریان های منحرف مشترکا تلاش نمایند. ما خواهان اتحاد و وحدت مسلمین بر حول کلمه طیبه هستیم و منازعات فرقه ای را ویرانگر و به ضرر احاد امت اسلامی می دانیم. ما از کشورهای اسلامی می خواهیم تا در تقویت روحیه وحدت و اخوت اسلامی و بخصوص پایان بخشیدن به رنج های بی پایان مردم افغانستان و سایر ملل مظلوم اسلامی نقش و مسئولیت دینی خویش را به انجام رسانند.

- **جامعه جهانی:** ما خواهان روابط سازنده با جامعه جهانی و ایفای نقش فعال و مثبت در مناسبات بین المللی هستیم و بر این باوریم که تنها گذاشتن افغانستان در برابر چالش های که ابعاد خارجی و بین المللی دارد، می تواند موجب بروز خلا امنیتی و دوام خشونت و ظهور تهدیدات جدید امنیتی نسبت به امنیت و نظم جهانی گردد. بناء از جامعه

جهانی می خواهیم تا در تامین صلح و امنیت و حل بحران های امنیتی و بشری در افغانستان نقش و مسئولیت خود را ایفا نموده و ملت افغانستان را در این برهه و مقطع مهم و سرنوشت ساز تنها نگذارند و اجازه ندهند تا تروریسم بین المللی از فرصت های پیش آمده استفاده نموده و باردیگر افغانستان را به لانه تروریسم و صدور خشونت تبدیل نمایند.

## بخش هشتم

### حرکت ملی صلح و عدالت برای صلح پایدار و استقرار نظام مشروع در کشور تشکیل گردیده و در رسیدن به این مقصد برنامه های خود را در سطح ملی و بین المللی براه می اندازد.

با درک حساسیت شرایط سیاسی و امنیتی در کشور و ضرورت رسیدگی عاجل به بحران موجود در افغانستان و به مقصد برآورده ساختن اهداف که درین منشور ذکر گردیده، حرکت ملی صلح و عدالت، بعنوان یک روند سیاسی، تمرکز برنامه های خویش را درین مرحله مهم تاریخی در دو محور اساسی تنظیم خواهد کرد:

- الف، حمایت از مذاکرات بین الافغانی به مقصد صلح پایدار و نظام برخاسته از رای مردم و متکی به حقوق بشری و آزادی های اساسی شهروندان افغانستان، و
- ب، تقویت تلاش های ملی و بین المللی در جهت حفظ حقوق بشری و حقوق زنان، رعایت قوانین بین المللی بشردوستانه و رسیدگی به نیازمندی های بشری مردم کشور.

در جهت بدست آوردن اهداف محور های فوق، حرکت ملی صلح و عدالت برنامه های ذیل را به منصفه اجرا خواهد گذاشت:

1. **انسجام وسیع مردم و نهاد های سیاسی و مدنی در سراسر کشور** و راه اندازی فعالیت های صلح آمیز و مدنی در جهت حمایت از مذاکرات صلح و استقرار نظام متکی بر اراده مردم، رعایت حقوق بشر و حقوق زنان و رسیدگی به نیازمندی های بشری،

2. **گفتگو و مشوره با جریان های سیاسی، علمای کرام، نخبگان و روشنفکران و فعالان حقوق بشری و بخصوص فعالین حقوق زنان** به منظور ایجاد تفاهم و هماهنگی لازم در جهت مذاکرات بین الافغانی، صلح پایدار، استقرار نظام متکی بر اراده مردم و پابند به حقوق و آزادی های اساسی و تنظیم پاسخ مشترک به نقض قوانین بین المللی بشردوستانه و حقوق بشری، عدم مصونیت و امنیت منسویین پیشین ملکی و نظامی و وضع محدودیت ها بر حقوق زنان و آزادی بیان،

3. **گفتگو و مشوره با نخبگان و فعالین سیاسی و نهاد های زنان، جوانان و علمای کرام مهاجر و مقیم در کشور های مختلف جهان** برای جلب حمایت آنها از برنامه های این جریان سیاسی و هماهنگ سازی تلاش های سازنده

در جهت صلح، استقرار نظام مشروع، حفظ و توسعه حقوق بشری و حقوق زنان و رسیدگی به نیازمندی های فوری بشری،

4. **گفتگو و مذاکره با گروه طالبان** در مورد آغاز مذاکرات بین الافغانی برای رسیدن به توافق سیاسی همه شمول، پایان دادن به لشکر کشی های داخلی، رعایت قوانین بین المللی بشری، حفظ مصونیت و امنیت منسوبین پیشین ملکی و نظامی و رسیده گی عاجل به مشکل حقوق بنیادی مردم به شمول زنان و باز نمودن مکاتب بروی دختران بحيث بنیاد های صلح پایدار، اشتراک فعال در مذاکرات بین الافغانی زمانیکه چنین گفتگو ها آغاز می گردد و تلاش در جهت رسیدن به توافق همه شمول سیاسی،

5. **گفتگوی سازنده با جامعه جهانی و نهاد های بین المللی، کشور ها و سازمان های منطقه یی و کشور های اسلامی** و تلاش برای جلب حمایت آنها در فراهم آوری زمینه برای مذاکرات بین الافغانی، رسیدن به توافق سیاسی و ضمانت ها و حمایت های لازم برای تحقق آن، رسیدگی عاجل به وضعیت اضطراری بشری و نقض حقوق بشری و عدم مصونیت و امنیت منسوبین پیشین ملکی و نظامی و وضع محدودیت ها بر حقوق زنان، رسیدگی به بحران فوری گرسنگی و فقر از طریق افزایش کمک های بشردوستانه به مردم افغانستان و توزیع عادلانه آن به مستحقین. در این گفتگو ها هم چنان در مورد حفظ دارائی ها و ذخایر ارزی افغانستان در روشنایی قوانین بین المللی تمرکز صورت خواهد گرفت تا با دارایی های ملی مردم افغانستان برخورد مسئولانه و براساس رویه های حقوقی و قانونی بین المللی صورت گیرد.

6. **راه اندازی برنامه آگاهی و روابط عامه در سطح ملی و بین المللی** در جهت حمایت از صلح و مذاکرات بین الافغانی و رسیدگی به حالات موجود کشور مخصوصاً در رابطه با وضعیت بشری، حقوق بشری و حقوق زنان و نیازمندی ها برای رسیدگی به مردم آسیب پذیر کشور، و

7. **تلاش برای تشکیل اجماع ملی و بین المللی در جهت راه اندازی برنامه حقیقت یابی** در رابطه با عوامل سقوط مصیبت بار دولت جمهوری اسلامی افغانستان به منظور آگاهی مردم افغانستان و جامعه بین المللی، در جهت حسابدهی، عدالت و به محاکمه کشاندن آنهائیکه در سقوط نظام و چپاول دارایی های عامه و نقض حقوق بشری دست داشته اند.

ما معتقد هستیم که خط مشی فوق که تفصیلات آن در برنامه و اصولنامه این جریان ملی انعکاس می یابد، اساس و رهنمای عملی برای تحقق دیدگاه ما برای بیرون کشیدن کشور از بحران های جاری و تامین صلح پایدار و نظام عادلانه ای که مردم افغانستان بعد از این همه مصایب سزاوار آن اند، تشکیل می دهد.

بنای آینده روشن برای نسل های امروز و فردای کشور هرگز با افکار کهنه و کلیشه ای و دید محدود صورت گرفته نمی تواند. افغانستان برای رهایی از بحران و جلوگیری از تکرار تاریخ و رویدادهای گذشته، به بازیابی و بازاندیشی راهکارهای سیاسی و انتخاب مسیر روشن صلح مبتنی بر وحدت، برادری، برابری و عدالت و احترام گذاشتن به حقوق اساسی شهروندان کشور ضرورت دارد.

**زنده باد افغانستان**

**پاینده باد همدلی و برادری مردم افغانستان**